



واحد آموزش
کارگزاری نهایت نگر

Current
earnings

Market
Direction

Supply and
demand

Annual
earnings

Institutional
sponsorship

CANSLIM

New products
New Management
New Highs

Leader or
laggard

واحد آموزش کارگزاری نهایت نگر

تهیه و تنظیم: هانیه مهربان



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:



واحد آموزش
کارگزاری نهایت‌نگر

کانسلیم

CANSLIM

واحد آموزش کارگزاری نهایت‌نگر

تهیه و تنظیم: هانیه مهربان



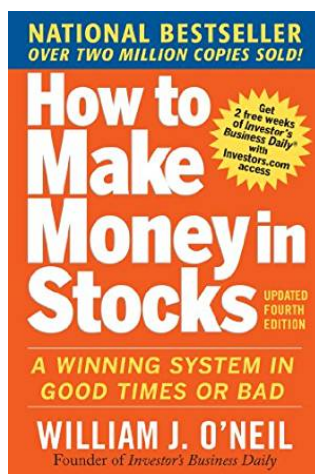
مقدمه:

روش کانسلیم

کانسلیم نام روشی برای تحلیل در بازار سهام است که توسط ویلیام اونیل ابداع گردیده است. ویلیام اونیل جوان‌ترین شخصی است که یک صندلی در بورس سهام نیویورک خرید است. اونیل پایه‌گذار و رئیس روزنامه "Investors Business Daily" بوده است وی همچنین مدیریت یک موسسه تحقیقاتی، به نام "ویلیام اونیل و شرکا" را نیز بر عهده دارد.

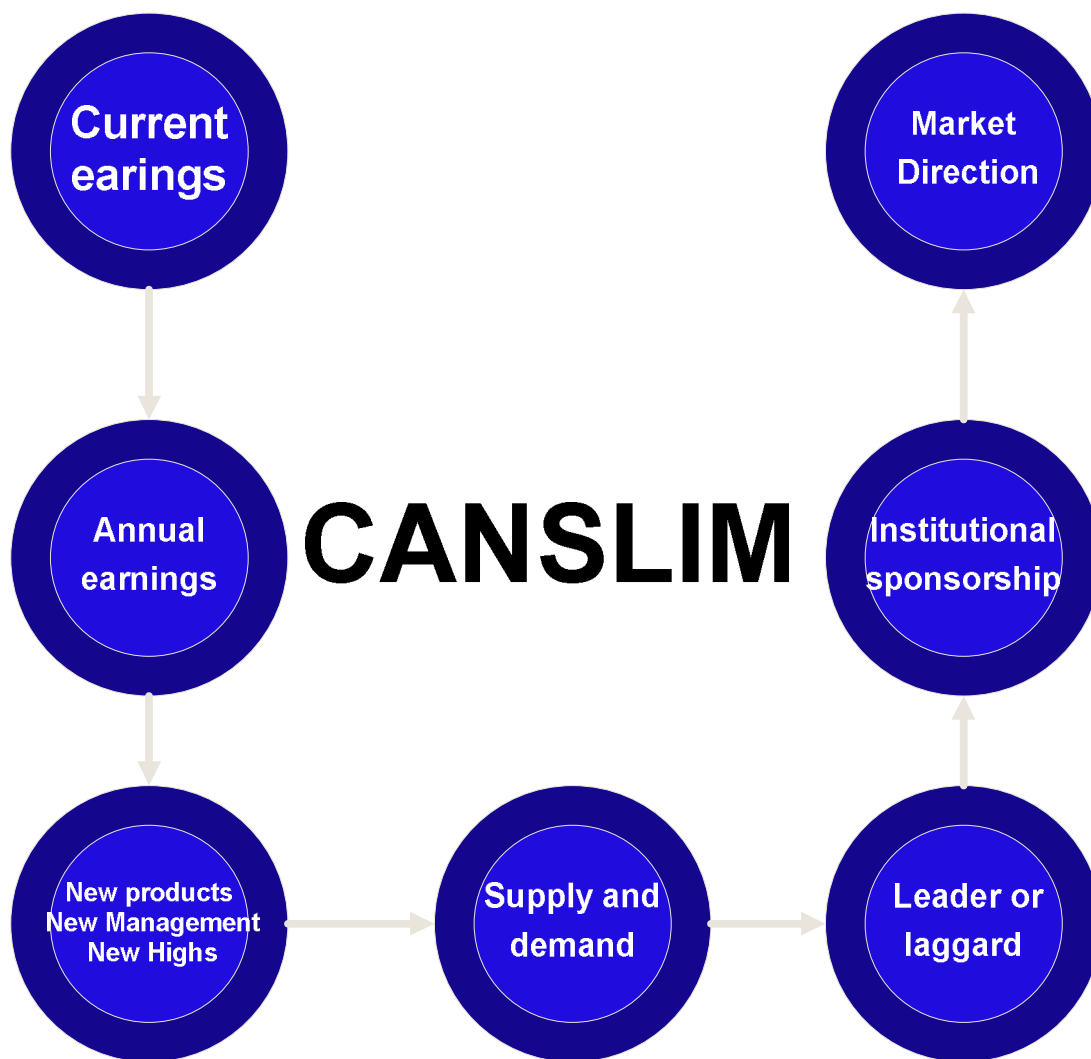
آقای اونیل با بررسی وسیع روی سهامی که **صعود** بسیار چشمگیری داشته‌اند به نتایج مشابهی رسیده است که به روش تحلیلی کانسلیم منتج می‌شود. وی این نتایج را تحت عنوان روش معاملاتی و یا تحلیلی کانسلیم معرفی کرد.

آقای ویلیام اونیل در کتاب چطور در بازار سرمایه پول درآوریم با عنوان *How to Make Money in Stocks* به معرفی و آموزش این روش پرداخته است. در این کتاب ویلیام اونیل نحوه یافتن سهام ارزنده و برتر، و زمان ورود و خروج از این سهام را آموزش می‌دهد. این کتاب ترکیبی از تحلیل تکنیکال و فاندامنتال است.



(طرح جلد کتاب *How to Make Money in Stock* برای معرفی کتاب آورده شده است)

آقای اونیل برای انتخاب سهام برتر به روش کانسلیم (CANSLIM) رسیدند، کانسلیم برگرفته از هفت حرف لاتین "C.A.N.S.L.I.M" است که هر حرف این کلمه از ابتدای نام یکی از هفت معیار ایشان برای یافتن این سهام ارزنده آمده است، در این نوشتار هفت اصل روش کانسلیم به طور مختصر گفته خواهد شد.



عنوان هفت اصل تحلیل به سبک کانسلیم در شکل فوق آمده است.

برای شروع بحث به میزان رشد سهام زیر و علل رشد آن‌ها دقت کنید.

چند مثال:

#کبافق - معادن بافق

رشد بیش از 600 درصدی از دی ماه سال 94 تا بهمن ماه سال 95 به دلیل وضعیت بنیادی خیلی خوب و مورد توجه قرار گرفتن بازار.

#فراآور - فراوری مواد معدنی ایران

رشد بیش از 800 درصدی از دی ماه سال 94 تا بهمن ماه سال 95 به دلیل وضعیت بنیادی خیلی خوب و مورد توجه قرار گرفتن بازار.

#خریخت - شرکت ریخته‌گری ایران

بازده بیش از 200 درصدی سه‌ماهه ابتدایی سال 94 به دلیل سود ده شدن شرکت و افزایش سرمایه 700 درصدی از محل آورده نقدی و مطالبات.

#کفزوی - شرکت شیشه قزوین

بازده بیش از 500 درصدی نیمه اول سال 94 به دلیل افزایش سرمایه بیش از 7000 درصدی از مازاد تجدید ارزیابی.

#حسینا - شرکت توسعه خدمات بندری و دریایی سینا

رشد بیش از 400 درصدی در سال 93.

#چکارن - شرکت کارتن‌سازی ایران

بازده 600 درصدی به دلیل افزایش قیمت کاغذ و کارتن در سال 92.

#چکاو - شرکت صنایع کاغذسازی کاوه

بازده بیش از 700 درصدی در مدت کمتر از یک سال به دلیل افزایش قیمت کاغذ و کارتن در سال 92.

#قنیشا - شرکت قند نیشابور

بازده 1600 درصدی در کمتر از یک سال (حدود 10 ماه) در سال 90 به دلیل افزایش نرخ.

#شپاکسا-شرکت پاکسان

بازده 620 درصدی در سال 92 به دلیل افزایش قیمت.

#فنوآل-شرکت نورد آلومینیوم

بازده نزدیک به 400 درصدی در سال 94 به دلیل افزایش سرمایه 1230 درصدی از محل تجدید ارزیابی.

#پکویر-شرکت کویر تایر

بازده 600 درصدی در سال 92 به دلیل افزایش قیمت محصولات.

#کرمان-شرکت سرمایه‌گذاری توسعه و عمران کرمان

بازده 1200 درصدی یک‌ساله سال 92 به دلیل رشد شرکت‌های زیر مجموعه، تغییر در مدیریت و بهره‌برداری از برخی از طرح‌های شرکت و دلیل آخر برای این رشد بزرگ به دلیل موردتوجه واقع شدن این سهم در آن سال و افتادن به سر زبان‌ها.

#کاذر-شرکت فرآورده‌های نسوز آذر

بازده 650 درصدی در سال 92 به دلیل افزایش قیمت که به علت افزایش نرخ دلار و افزایش قیمت مواد وارداتی ایجاد شد.

شاید شما هم بامطالعه مثال‌های فوق نمادهای بیشتر را به خاطر آورید که رشد بسیار چشمگیری را داشته‌اند. اما

ویژگی مشترک شرکت‌های فوق چه بوده است؟

ریسک سهام فوق چقدر است؟

نحوه یافتن این شرکت‌ها به چه صورت است؟

سهام‌داران عمده‌ی این شرکت‌ها چه موسسات و شرکت‌هایی بودند و چه رفتاری در هنگام عرضه و تقاضا داشتند؟

آیا بازهم تاریخ تکرار خواهد شد و مجدداً شاهد رشد این نمادها خواهیم بود؟

آیا بازهم شرکت‌های با بازده صعودی چشمگیر خواهیم داشت؟

امروزه برخی معامله گران به دنبال روش‌هایی برای افزایش بازده سبدهای خود در کوتاه‌مدت هستند و به سودهای کم قانع نمی‌شوند و موفق هم می‌شوند، آقای اونیل نکات مشترکی را بین سهم‌های با رشد چشمگیر پیدا کردند که علل رشد آن‌ها بوده است و نتایج این تحقیق ارزشمند را در هفت اصل طلایی در کتابشان معرفی کردند که به‌طور مختصر به معرفی این هفت اصل خواهیم پرداخت.

1-1- اصل اول: درآمدهای جاری (درآمدهای سه ماهه و فصلی هر سهم)



در این بخش منظور از درآمدهای جاری، گزارش‌های درآمدی فصلی شرکت‌ها است که این درآمد در ازای هر سهم، به صورت EPS نمایش داده می‌شود. روند رشد EPS برای ارزیابی و تحلیل بسیار مهم است در بررسی این گزارش‌ها، گزارش شرکت‌ها در چند دوره سه ماهه مورد مقایسه قرار می‌گیرد در صورت افزایش سود به میزانی مشخص، می‌توان به روند صعودی شرکت امیدوار بود. در اینجا سرمایه‌گذاران باید به گزارش‌های گمراه‌کننده شرکت‌ها نیز توجه داشته باشند مثلاً اگر شرکتی سود 1 ریالی خود را به 2 ریال تبدیل کرده باشد، نمی‌توان این میزان افزایش را به‌عنوان رشد 100 درصدی آن در نظر گرفت. در این مقایسه باید دقت شود اگر شرکتی دو دوره سه ماهه متوالی EPS منفی و یا نزولی داشته باشد سهم مطلوب ما نیست به واقع کاهش EPS در دو یا سه دوره سه ماهه متوالی بسیار خطرناک است برای مقایسه گزارش سه ماه پایانی سال برای هر سهم این مقایسه باید با گزارش سه ماه سال قبل صورت گیرد و نه چیز دیگر. در این بخش در واقع ما شرکت را در بازه‌های زمانی کوتاه مورد بررسی قرار می‌دهیم. در بررسی درآمدهای جاری و یا Current earnings افزایش EPS ملاک شما باشد و نه افزایش فروش و یا فروش زمین و دارایی‌های مازاد شرکت و مسائلی از این قبیل.

ذکر این نکته لازم است که سرمایه‌گذاران باید به گزارش‌های گمراه‌کننده شرکت‌ها نیز توجه داشته باشند. به‌عنوان مثال ممکن است شرکتی در گزارش خود، با بزرگنمایی از رکورد فروش خود صحبت کند و همچنین در مقایسه با سال گذشته، افزایش فروش 30 درصدی داشته باشد. در حالی که بنا به دلایل مختلف، حاشیه سود شرکت کاهش یافته است و در واقع افزایش سود شرکت، باید برابر 5 درصد در نظر گرفته شود.

در نتیجه باید از سودهای غیرعادی و استثنایی شرکت صرف‌نظر کرده و همچنین یک‌میزان مشخص سود را به عنوان حداقل افزایش سود شرکت، تعیین کنید. تعیین میزان حداقل سود، می‌تواند به‌عنوان شاخص سنجش عملکرد شرکت، به کار برده شود.

در اینجا میزان حداقل سود، حدود 20 تا 30 درصد مشخص شده است اما هر سرمایه‌گذار می‌تواند با توجه به اهداف سرمایه‌گذاری خود، این میزان را تعیین نماید.

پس اولین نکته کلیدی، رشد قابل توجه (حداقل 20 تا 50 درصد یا بیشتر) سود سه‌ماهه اخیر سهم نسبت به سه‌ماهه مشابه سال قبل است. ولی توجه به حاشیه سود شرکت و دیگر اطلاعات خرد و کلان اقتصادی برای تصمیم‌گیری، الزامی است.

سه‌م‌هایی که از زیان به سوددهی می‌رسند، سهم‌های دارای افق رو به رشد، را می‌توان از این دسته قرار داد.

از دو نکته هنگام یافتن سهم کانسلیمی غافل نشوید:

1- سهم‌های کانسلیمی در بازار منفی هم توانایی رشد دارند.

2- باید حتماً یک سهم دیگر که هم‌گروه سهم مورد نظر شما است رشد کند، به واقع شما انتظار رشد صنعت مورد تحقیق را دارید.



رشد عایدی سالانه (Annual earnings growth) عایدی هر سهم در طول 5 سال گذشته می‌بایستی به صورت فزاینده با حداقل رشد 15 درصدی افزایش یابد. بهتر است درآمدها هر سال افزایش یابد، باین وجود افت درآمدها در یک سال قابل قبول است به شرط آنکه شرکت بتواند به سرعت این افت را جبران کند و دوباره به سود سالانه جدیدی دست یابد. پس در سرمایه‌گذاری می‌بایست ادامه‌دار بودن سود حاصل از درآمد شرکت را در 4 و یا 5 سال گذشته، بررسی کرده و از رشد سالانه حداقل 25 تا 50 درصدی آن مطمئن شویم. در نتیجه در این قسمت باید دو عامل رشد سود سالانه و سود سه‌ماهه شرکت را در نظر بگیریم. به واقع ما در ابتدا رشد EPS ماهانه و پس از آن رشد EPS سالانه را انتظار داریم به گونه‌ای که با یکدیگر در تناسب باشد به عنوان مثال اگر EPS ماهانه 15 درصد و EPS سالانه 30 درصد باشد سهم کانسلیمی نیست.

دقت شود P/E در استراتژی کانسلیمی خیلی مفهوم ندارد و روند افزایش EPS مورد تحقیق واقع می‌گردد.

1-3- اصل سوم: محصول یا خدمت جدید (کالاهای جدید، مدیریت جدید، پیشرفت‌های جدید) یا تغییر مثبت ناشی از افزایش دلار، افزایش نرخ‌های جهانی و.....



افزایش قابل ملاحظه قیمت سهام معمولاً همراه با اتفاقات تازه است. این قضیه ممکن است محصول یا خدمتی نو، مدیریت جدید، فن‌آوری جدید و یا تغییر مثبت ناشی از افزایش دلار و افزایش نرخ‌های جهانی باشد. یکی از شگفت‌آورترین نتایجی که انیل به آن دست‌یافت، تضاد این نتایج با چیزی است که سرمایه‌گذاران نسبت به آن توجه نشان می‌دهند. بجای تأکید بر روی عملکرد بازار سرمایه سنتی "خرید سهم در پائین و فروش آن در قیمت بالا" انیل می‌گوید که در قیمت‌های بالا سهم را خریداری کنید و در قیمت‌های بالاتر بفروشید. پژوهش انیل نشان داد که زمان ایده‌آل برای خرید سهم هنگامی است که قیمت سهام به یک محدوده جدید بالایی که پس از طی مدت دو تا 15 ماه تثبیت شده است، برسد. برخی از جهش‌های قیمتی قابل توجه پس‌از این دوره زمانی اتفاق می‌افتد و احتمالاً بنا به دلیلی خط مقاومت سهم نیز شکسته می‌شود.

این موضوع برخلاف نظر اکثریت سهام‌داران است که می‌گویند: در قیمت پایین بخرید و در قیمت بالاتر بفروشید!



مهم‌ترین نکته در اقتصاد ما عرضه و تقاضاست.

اگر سهام کوچک باشد و تقاضا زیاد باشد قیمت بالا می‌رود. در شرایط فوق اگر تصمیم به خرید سهم با شرایط یکسان دارید و تنها تفاوت، بین کوچک و بزرگ بودن میزان سهام شرکت است، شرکت کوچک‌تر گزینه بهتری خواهد بود.

در اینجا به سهام شناور شرکت نیز باید توجه شود. زیرا سهام شناور شامل سهام در اختیار مدیران شرکت و همچنین سهام قابل عرضه به سرمایه‌گذاران بازار است. از این رو هر چه تعداد سهام شناور کمتر باشد، شرایط عرضه و تقاضا برای افزایش قیمت بهتر خواهد بود و از طرف دیگر سهمی که درصد بالایی از مالکیت آن در اختیار مدیران ارشد شرکت است، معمولاً از آینده بهتری برخوردار خواهد بود. سهم‌های کوچک و یا در شرایط بهتر زیر 200 میلیون سهم، و یا سهام با شناور کم برای سرمایه‌گذاری بهتر است. چون سهام کمتری برای عرضه وجود خواهد داشت، واضح است که قیمت سهام شرکتی که برگه سهام زیادی دارد و در واقع به عنوان سهم‌های بزرگ بازار لقب گرفته‌اند به‌سختی رشد خواهد کرد.

اشتباه بزرگ: فقط سهام بزرگ نخرید.



آقای انیل کشف کرد که شما می‌توانید به‌طور مشخصی شانس یک سرمایه‌گذاری سودآور را افزایش دهید و این در صورتی است که سرمایه‌گذار یک سهم از سهام شرکت‌های پیشرو در صنایع موفق را داشته باشد. در واقع اگر صنعتی خوب باشد شما باید در سهم پیشگام و لیدر صنعت سرمایه‌گذاری کنید. سهام لیدر قبل از ورود بازار به روند صعودی شروع به صعود می‌کند و در هنگام بازار نزولی قبل از نزول بازار شروع به نزول می‌کند.

به‌طور خلاصه: به دنبال سهام پیش‌رو و سهامی که بازار به آن توجه می‌کند باشید و یا به‌طور مصطلح می‌توان گفت از دید سرمایه‌گذاران بعضی از نمادها دوست‌داشتنی‌اند و بیشتر مورد توجه اهالی بازار سرمایه واقع می‌شوند.



بزرگ‌ترین عامل عرضه و تقاضا در تعیین قیمت سهام یک شرکت، خریداران نهادی آن شرکت هستند. و یکی از مهم‌ترین اصول استراتژی کانسلیم و یا هر استراتژی دیگری این است که سهمی که برای سرمایه‌گذاری انتخاب کرده‌اید و مایلید این سهم را در سبد داشته باشید این است که سهم باید متولی و پشتیبان و یا به عبارت خودمانی‌تر صاحب داشته باشد. به واقع ممکن است سهم ارزنده باشد اما متولی برای حمایت از سهم وجود ندارد. قبل از ورود به سهم لیست سهامداران را بررسی نمایید و اطلاعاتی پیرامون نهادهای حمایتی و متولیان و سهامداران عمده سهم کسب نمایید با توجه به این نکته شما از ضررهای جدی دور خواهید شد و اگر پای درد دل بسیاری از سهامداران بنشینید از رفتار بسیار بد بعضی از این نهادها خواهند گفت. حامی نهادی خوب با عملکردی بهتر از میانگین بازار به بالا رفتن و نقد شوندگی سهم کمک می‌کند لازم به ذکر است حامی نهادی زیاد هم خوب نیست. چون اگر خبر بدی انتشار یابد برای فروش هجوم می‌آورند و عرضه شدت خواهد گرفت در نتیجه حجم فروش بالقوه بسیار زیادی به سهم و بازار تحمیل خواهد شد. بنابراین قبل از سرمایه‌گذاری از رفتار سهام عمده غافل نشوید و به خریدهای جدید سرمایه‌گذاران نهادی دقت کنید. سرمایه‌گذار موفق باید بتواند حامیان نهادی بهتر و قوی‌تر و با عملکرد بهتر را شناسایی کرده و سهام آن‌ها را در اولویت بالاتر قرار دهد.. اونیل بر پایه تحقیقات و تجربیات خود، به سرمایه‌گذاران توصیه می‌کند که به دنبال سهام شرکت‌هایی باشند که دست کم 3 تا 10 نهاد پشتیبان داشته و پیشینه عملکرد آن‌ها بالاتر از میانگین باشد.

حامی نهادی می‌تواند صندوق سرمایه‌گذاری، صندوق پس‌انداز بازنشستگی شرکت‌ها، شرکت‌های بیمه، مشاوران سرمایه‌گذاری، صندوق‌های پوشش خطر، بانک‌ها، موسسات دولتی، خیریه و آموزشی باشد.

درباره نهادهای سرمایه‌گذار در بازار سرمایه به تحقیق بپردازید. و با رفتار معاملاتی آنها آشنا

شوید!!!!





جهت بازار-منظور بازار صعودی و نزولی نیست

همه جا از یک سهم خاص صحبت می شود. در واقع قبل از شروع رشد، سهم مورد توجه اهالی بازار واقع می گردد و به اصطلاح خودمانی تر، سهم سر زبان ها می افتد.

مهم ترین پارامتر در رویکرد کانسلیم جهت حرکت بازار است، منظور از جهت حرکت روند صعودی و نزولی باز نمی باشد حتی بهترین بازارهای سهام نیز اگر شاخص کل جهت نزولی داشته باشد، پول زیادی را از دست می دهند. تقریباً 75 درصد سهام بازار با کل شاخص بازار حرکت می کند. یعنی اگر سهمی را انتخاب کنید که تمام معیارهای مطلوب و ویژگی های دیگر را به خوبی دارا باشد و نتوانید جهت کل بازار را تشخیص دهید به احتمال زیاد سهم برگزیده عملکرد ضعیفی از خود نشان خواهد داد. شاخص های بازار برای کمک به تعیین موقعیت کلی بازار طراحی می شوند و توجه به آن اهمیت زیادی دارد. انیل می گوید: یاد بگیرد که قیمت های روزانه و نمودار میانگین حجم بازار را تفسیر کنید. اگر بتوانید این کار را انجام دهید قسمت زیادی از راه را پیموده اید.

در این صورت شما واقعاً به چیز دیگری نیاز ندارید، مگر این که بخواهید با روند بازار درگیر شوید. انتخاب سهام با هفت ویژگی رویکرد کانسلیم، از جمله تکنیک های تصمیم گیری در دادوستد است که سرمایه گذاران از آن بهره می جویند.

از نمادهای پر بیننده غافل نشوید.

چند نکته طلایی پایانی:

افزایش سرمایه بالای صد درصد برای سهم‌های زیر 200 میلیون سهم بسیار خوب است و نشان از رشد سهم در آینده دارد. مخصوصاً افزایش سرمایه ناشی از آورده. چراکه پول جدید وارد شرکت می‌شود. از طرفی جو روانی مثبت به دلیل اصلاح قیمت سهم و در نتیجه رشد سهم را در پی خواهد داشت.

ممکن است سهم نه رشد EPS داشته باشد چه ماهانه و چه سالانه، در واقع سهم از زیان ده بودن خارج می‌شود این سهم ارزش سرمایه‌گذاری دارد و در آینده رشد خواهد نمود و می‌توان افق رو به رشدی را متصور بود بنابراین این سهم‌ها را بیشتر بررسی نمایید.

از سرمایه‌گذاری در عرضه اولیه‌های کوچک و سابقه آن‌ها غافل نشوید.

به سهام زیر 100 تومان توجه کنید به دلیل مسایل روانی قیمت سهم رشد خواهد کرد. سهم کوچک باشد و هفت ویژگی بالا را داشته باشد موردتوجه واقع می‌شود.

کلام آخر:

کانسلیم برای کسانی است که به سودهای بالا می‌اندیشند.